

اعتبارسنجی خبر واحد در فقه و تفسیر، با تأکید بر نظر آیت الله فاضل لنکرانی*

محمد حسین بهرامی** و عباس مقدادی داودی*** و مهدی مقدادی داودی****

چکیده

حدیث، یکی از منابع استنباط احکام شرعی و اثبات آموزه‌های دینی است. احادیث متواتر و اخبار آحاد، کاربرد فراوانی در مسائل علم فقه، تفسیر، کلام، تاریخ و... دارد و مورد بهره‌برداری دانش‌مندان این علوم قرار گرفته است. مسئله نگاشته حاضر، بررسی حجیت خبر واحد در علم فقه و تفسیر با تأکید بر نظر آیت‌الله فاضل لنکرانی می‌باشد. اگر چه در علم فقه، اکثر فقها بر حجیت و اعتبار خبر واحد در استنباط احکام شرعی صحه گذاشته‌اند، اما شمول این حجیت در علوم دیگر، نظیر علم تفسیر، موجب پدید آمدن دیدگاه‌های متفاوتی میان اندیشمندان اسلامی شده است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و با هدف ارائه پاسخی درخور مسئله مذکور، سامان یافته و نگارنده پس از بیان دیدگاه مخالفان درباره حجیت خبر واحد در ابواب تفسیر، نظر آیت‌الله فاضل لنکرانی را بیان می‌کند؛ ایشان مهم‌ترین دلیل حجیت و اعتبار خبر واحد را سیره و روش عقلا دانسته و معتقد است خبر واحد در تفسیر قرآن نیز همانند فقه از اعتبار و حجیت برخوردار است.

واژگان کلیدی: خبر واحد، حجیت خبر ظنی، تفسیر، فقه، فاضل لنکرانی.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۲۳ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۹/۱۳.

** عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه: mbahrami@noor.net

*** دانش آموخته سطح سه حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول): Abbas.meghdadi@yahoo.com

**** دانش آموخته حوزه علمیه قم سطح سه حوزه علمیه قم: mehdimeghdadi69@gmail.com

مقدمه

یکی از مباحثی که در بحث خبر واحد مورد توجه اصولی‌ها قرار گرفته، این است که اولاً، آیا خبر واحد حجت است و بعد از بررسی حجیت خبر واحد و با قبول حجیت آن، آیا دائره حجیت خبر واحد فقط مشمول فقه و احکام شرعی است یا اینکه حجیت خبر واحد مختص حکم شرعیه نمی‌باشد و در علوم دیگر نظیر تفسیر قرآن، تاریخ و مسائل اعتقادی نیز حجیت دارد. به طور مثال: اگر خبری واحد، دلالت دارد بر این‌که فلان حادثه در فلان تاریخ واقع شده، یا منظور از قمر در آیه قرآن، حضرت علی (علیه السلام) و منظور از شمس، حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) است و در بردارنده حکم تکلیفی شرعی نباشد و یک امر تاریخی و یا تفسیری محض باشد؛ آیا در چنین مواردی، خبر واحد نزد مورخان و مفسران حجیت دارد؟ بررسی حجیت خبر واحد و جایگاه آن در تفسیر از این جهت اهمیت دارد که با بررسی آن روشن می‌شود آیا می‌توان به معنایی که از ظاهر آیه به دست نمی‌آید و سیاق و قرائن ادبی بر آن دلالت ندارند و به نکته‌ای بر اساس خبر واحد که در مورد آن آیه وجود دارد، استناد کرد؟ در حالی‌که اگر این حدیث نبود، هیچ شاهد و دلیلی بر فهم آن آیه نبود تا از آن استفاده نمود.

از آن‌جا که حجم زیادی از روایات تفسیری متشکل از خبر واحد است و با استفاده از همین روایات، مسائل اعتقادی و یا تاریخی جنجال برانگیزی به دست آمده و مباحثی در علم کلام و تفسیر بر اساس آن شاهد آورده شده، اثبات حجیت و یا عدم حجیت این اخبار در این مسائل و مباحث، تأثیر بسیار زیادی در شیوه استدلال و جهت‌گیری‌ها خواهد داشت.

اما در کتاب‌های اصولی فقط درباره حجیت خبر واحد سخن به میان آمده که با محوریت احکام فقهی و ادله آنان بوده است. برخی از مفسران، نظیر شیخ طوسی در کتاب تفسیر «التبیان» و آیت‌الله خویی در کتاب تفسیر «البیان» و آیت‌الله معرفت در کتاب «تفسیر الاثری الجامع» و آیت‌الله فاضل لنکرانی در کتاب «مدخل التفسیر»، درباره این مسئله، سخنانی را مطرح کرده‌اند که در ادامه به آن پرداخته می‌شود. بنابراین، نگارنده در این پژوهش ابتدا حجیت خبر واحد در علم فقه را پس از بررسی اقوال در این زمینه بررسی نموده، سپس اعتبار خبر واحد در علم تفسیر قرآن را با تأکید بر نظر آیت‌الله فاضل لنکرانی مورد بررسی قرار می‌دهد.

مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به بررسی دقیق و علمی در هر پژوهشی لازم است که واژگان کلیدی آن پژوهش مفهوم‌شناسی گردد تا در فهم بیشتر مطالب، به خواننده کمک نماید.

خبر واحد

شیخ طوسی در تعریف خبر واحد می‌گوید: خبری واحد است که متواتر نباشد یا با قرینه‌ای که موجب علم به آن می‌گردد، همراه نباشد و این قرائن عبارتند از: مطابقت با ادله عقل و مقتضای آن، مطابقت با ظاهر قرآن، مطابقت با سنت قطعی، مطابقت با اجماع مسلمین، مطابقت با اجماع فرقه محقه (شیعه اثنی عشری) (طوسی، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، ۱۳۷۵: ۳-۴).

شهید ثانی در تعریف اخبار آحاد می‌نویسد: «آحاد و هو ما لاینتهی الی المتواتر منه، ای عن الخبر، سواء كان الراوی واحدا ام اكثر»؛ خبر آحاد، خبری است که به حد تواتر نمی‌رسد، چه راوی آن یک نفر باشد و چه بیشتر (شهید ثانی، الدرایه فی علم مصطلح الحدیث، بی تا: ۱۵).

صاحب معالم در تعریف خبر واحد معتقد است: «خبر الواحد هو ما لم یبلغ حد التواتر سواء كثرت رواته ام قلت و لیس شأنه افاده العلم بنفسه»؛ خبر واحد، خبری است که به حد تواتر نرسد چه روایانش زیاد باشند یا کم و شأن آن به تنهایی حصول علم نباشد (همان، ۱۸۶) علامه حلی نیز معتقد است که خبر واحد، خبری است که افاده ظن می‌کند، هر چند روایانش متعدد باشند (علامه حلی، مبادی الوصول الی علم الأصول، ۱۴۰۴: ۲۰۳).

اعتبار خبر واحد در فقه

علم به احکام شرعی از طریق قرآن و روایات به دست می‌آید و عموماً در آیات، احکام به صورت کلی بیان شده است؛ نظیر وجوب نماز، روزه و... احادیث متواتری که از طریق ائمه علیهم‌السلام درباره احکام شرعی رسیده تا مکلف از طریق آن به یقین و اطمینان برسد یا کم هستند و یا این که در همه موارد، احادیث وجود ندارد؛ لذا غالب احکام شرعی با اخبار آحاد ثابت می‌شوند؛ بنابراین با توجه به این مطلب بحث از حجیت خبر واحد، یکی از مهم‌ترین مباحث اصولی می‌باشد که در ادامه اعتبار و حجیت خبر واحد در علم اصول از منظر علمای اصولی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مخالفتان حجیت خبر واحد

شیخ مفید

ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان بغدادی (۳۳۶ - ۴۱۳ق) معروف به «شیخ مفید» نخستین جامع اصولی را نگاشت. ایشان در این کتاب که به «التذکره» یا «مختصر التذکره»

معروف است، بر عدم حجیت خبر واحد ظنی تأکید کرده (مفید، مختصر التذکرة بأصول الفقه، ۱۴۱۳: ۳۸) و در کتاب «أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات» آن را عقیده و مذهب «جمهور شیعه» عنوان کرده است (مفید، أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، ۱۴۱۳: ۱۲۲). بنابراین شیخ مفید خبر واحد را حجت نمی‌داند.

سید مرتضی

شاگرد شیخ مفید، علی بن حسین بن موسی (۳۵۵-۴۳۶ق)، معروف به «سید مرتضی» کتابی نسبتاً مبسوط با عنوان «الذریعة إلى أصول الشریعة» به رشته تحریر در آورد و در آن حجیت اخبار آحاد را منکر شد (ر.ک: تهرانی، الذریعة الی اصول الشریعة، ۱۴۰۸: ۳/۳۰۹). ایشان در کلیات علم اصول، اختلاف قابل ذکری با استاد خود نداشته، مگر این که او بسیار بیش تر و قاطعانه تر از شیخ، بر بی اعتباری خبر واحد نزد علمای امامیه تأکید کرده است؛ زیرا ایشان اعتقاد دارد که موضع علمای شیعه در قبال خبر واحد، همانند موضع آنان در قبال بطلان قیاس و خطر و حرمت آن در شریعت، ظاهر و آشکار است و علت آن که برخی علی‌رغم این وضوح، در آثارشان به اخبار آحاد عمل کرده‌اند، یا غفلت و یا عناد و بازی با دین است (سید مرتضی، الشافی فی الامامه، ۱۴۰۵: ۲۴/۱-۲۵). علاوه بر آن، ایشان معتقد است که اگر راوی خبر واحد، فردی عادل باشد، خبر او فقط بر ظن اقتضاء می‌کند و حتی جایز است او را تکذیب نمود؛ لذا عمل به خبر چنین راوی، همانند اقدام بر چیزی است که قبض معلوم است (همان، ۲۷۰/۳).

ابن براج

ابوالقاسم سعدالدین عبدالعزیز بن نحریر طرابلسی معروف به «قاضی ابن البراج» (۴۰۰-۴۸۱ق) در عباراتی تصریح می‌کند که قاضی در مورد سنت، می‌بایست اخبار متواتر و واحد از هم را تمییز دهد تا بتواند به متواتر عمل کند، نه به خبر واحد (براج، المهذب، ۱۴۰۶: ۲/۵۹۸).

محدث استرآبادی

محمدامین بن محمد شریف استرآبادی (متوفای ۱۰۳۶ق) نویسنده کتاب «الفوائد المدنیة فی الرد علی من قال بالاجتهاد و التقليد» است که با نگارش این کتاب در برابر اصولیون، آغازگر حرکتی شد که در زمان حیات ایشان و مخصوصاً بعد از وفاتشان، نظریات او مورد قبول محافل علمی شیعه آن زمان واقع شد و جریانی فراگیر را در میانه قرن یازدهم تا نیمه دوم قرن دوازدهم رقم زد. ایشان عمل به خبر ظنی الصدور را جایز نمی‌دانست و دلیل آن را با استفاده از اخبار متواتر به دست می‌آورد (استرآبادی، الفوائد المدنیة، ۱۴۲۶: ۱۴۵) و از این جهت هم‌رأی سید مرتضی و

موافقان او می‌باشد (همان، ۱۲۳ و ۴۷۹). بر همین اساس ایشان تقسیم‌بندی احادیث به اقسام اربعه (صحیح، موثق، حسن و ضعیف) را در مورد روایات شیعه بی‌مورد دانسته و آن را گریته‌برداری نابه‌جا از روش اهل سنت معرفی می‌کند؛ چرا که معتقد است این تقسیم وقتی نافع است که خبر واحد ظنی حجّت باشد، که حال این‌گونه نیست (همان، ۱۲۲، ۱۲۳ و ۱۲۸).

موافقان حجّت خبر واحد

شیخ طوسی

ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، معروف به «شیخ طوسی» (۳۸۵ - ۴۶۰ ق) در کتاب «الْعُدَّة فِي أُصُولِ الْفَقْهِ» بر خلاف نظر دو استادش (شیخ مفید و سید مرتضی)، به صورت بی‌سابقه و مفصل به خبر واحد پرداخت و اقوال مختلف موجود را مورد بررسی قرار داد و در نهایت بر خلاف آنان، حجّت خبر واحد را علی‌رغم اذعان به ظنی بودن آن، پذیرفت (طوسی، العده فی اصول الفقه، ۱: ۱۴۱۷ / ۱۰۰). این اعتقاد در آن زمان، مخالف رأی مشهور و شاذ تلقی می‌شد؛ زیرا تا به آن زمان هیچ‌یک از علمای امامیه تصریح بر حجّت خبر واحد ظنی نکرده بودند و حتی تا زمان علامه حلی (۶۴۸ - ۷۲۶ ق) در میان فقهای شاخص شیعه، طرف‌داری نداشت.

شیخ طوسی هرچند شروطی نظیر پذیرش امامت و عدم ورود طعن را شروط قبول خبر راوی ذکر کرده است (همان، ۱۲۶/۱)، اما سرانجام در نظر ایشان، شمول حجّت خبر واحد، نسبتاً وسیع بوده و اخبار راویان افکار فاسد، نظیر جبریه و مشبهه و افرادی که به غلو و تناسخ معتقدند را با توجیهی می‌پذیرد (همان، ۱۳۱/۱ - ۱۳۵)؛ حتی از نظر ایشان، مرسلات کسانی که از افراد مورد وثوق نقل نمی‌کنند، حجّت بوده و در صورت تعارض، همانند اخبار مسند با آن برخورد می‌شود (همان، ۱۵۴/۱).

علامه حلی

ابومنصور جمال‌الدین حسن بن یوسف بن مطهر حلی معروف به «علامه حلی» (۶۴۸ - ۷۲۶ ق) نگارنده هفت کتاب ارزشمند در علم اصول که از مهم‌ترین آن‌ها اثر فاخر «نهایة الوصول إلی علم الأصول» است. ایشان بعد از شیخ طوسی نخستین شخصیت اصولی بود که به صراحت، خبر واحد ظنی را حجّت می‌شمرد (علامه حلی، مبادی الوصول الی علم الأصول، ۱: ۱۴۰۴ / ۲۰۵)؛ با این فرق که ایشان در اثبات مدّعی خویش، به ادله عقلی (علامه حلی، تهذیب الوصول، ۱۳۸۰: ۲۳۰؛ نهایة الوصول الی علم الاصول، ۱: ۱۴۲۵ / ۴۰۵/۳) و نقلی (آیات و روایات) (همان، مبادی الوصول، ۱: ۱۴۰۴ / ۲۰۶؛ تهذیب الوصول، ۱: ۱۳۸۰ / ۲۲۹؛ نهایة الوصول، ۱: ۱۴۲۵ / ۳۸۳/۳ - ۳۹۶) نیز

تمسک می‌جست. ایشان اجماع منقول به خبر واحد را نیز حجّت دانسته (همان، ۲۱۵/۳؛ مختلف الشیعه، فی احکام الشریعه، ۱۴۱۳: ۳۲۹/۱) و تخصیص قرآن به خبر واحد را جایز می‌شمرد (همان، نهاییه الوصول، ۱۴۲۵: ۲۹۸/۲؛ مختلف الشیعه، ۱۴۱۳: ۵۲۰/۳) اما نسخ آن را به خبر واحد جایز نمی‌دانست (همان، نهاییه الوصول، ۱۴۲۵: ۷۴/۳).

ابن ابی جمهور

ابوجعفر شمس‌الدین محمد بن علی احسایی معروف به «ابن ابی جمهور» (حدود ۸۴۰- اوائل قرن دهم) رساله مختصر «کاشفة الحال عن أحوال الاستدلال» را نگاشته است. در نسخه موجود کتاب «کاشفة الحال» ایشان بی‌پروا اخبار آحاد را می‌پذیرد و بر حجیت آن صحه می‌گذارد و علاوه بر اخبار صحیح و حسن و موثق، اعتبار اخبار ضعیف و مرسل را نیز با در نظر گرفتن شروطی سهل الوصول می‌پذیرد (ابن ابی جمهور، کاشفة الحال عن الاصول الاستدلال، بی‌تا: ۱۱۹-۱۲۸). حتی صاحب روضات، مدعی است که ایشان در رساله‌ای در صدد اعتباربخشی به مطلق اخبار وارد در کتاب‌های اصحاب امامیه و اثبات عمل به آن بر آمده است (همان، ۲۶؛ خوانساری، روضات الجنات، بی‌تا: ۳۳/۷).

اما بر اساس نظر محدثان برجسته درباره ابن ابی جمهور و آثارش، ایشان تساهل و سهل‌انگاری در قبول احادیث داشتند؛ مثلاً محدث بحرانی هم در کتاب حدائق (بحرانی، الحدائق الناضره، ۱۴۰۵: ۹۹/۱) و نیز در کتاب «لؤلؤة البحرين» (همان، لؤلؤة البحرين، ۱۴۲۹: ۱۶۱) ایشان را به تساهل در نقل اخبار و خلط روایات صحیح و سقیم منتسب کرده است. چنان‌که قبل از او، مجلسی در «بحارالانوار» مشابه همین طعنه را به آثار او زده بود (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۱۰: ۳۱/۱).

محقق ثانی

ابوالحسن علی بن حسین کرکی عاملی معروف به «محقق ثانی» (۸۶۸-۹۴۰ق) هم‌چون ابن ابی جمهور تا حدودی در پذیرش اخبار آحاد آسان گرفته است؛ اخبار صحیح، حسن و موثق را حجّت می‌شمرد (کرکی، رسائل المحقق الکرکی، ۱۴۰۹: ۴۶/۳)؛ حتی از منظر ایشان مرسلات نیز، بسته به شخصیت مُرسِل، قابل قبول است (همان، ۴۳/۳-۴۵).

شهید ثانی

با توجه به نوشته‌های فقهی جمال‌الدین زین‌الدین بن علی جَبَعی عاملی معروف به «شهید ثانی» (۹۱۱-۹۶۶ق) به دست می‌آید که ایشان صرفاً خبر واحد صحیح را حجّت می‌داند و حتی

خبر موثق را نیز از دائره شمول حجیت بیرون می‌بیند (شهید ثانی، الدرایه فی علم مصطلح الحدیث، ۱۴۱۳: ۴۵۶/۱۱). ایشان بر خلاف شهید اول، عمل اصحاب را نیز جبران‌کننده ضعف سند نمی‌داند (همان، المقاصد العلمیه فی شرح الرساله، ۱۴۳۳: ۹۲-۹۳؛ الدرایه فی علم مصطلح الحدیث، ۱۴۱۳: ۱۵۶/۶).

محقق اردبیلی

احمد بن محمد اردبیلی معروف به «مقدس اردبیلی» (متوفای ۹۹۳ق) نویسنده کتاب «زبده البیان فی احکام القرآن» و «مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان» است که ایشان نیز قائل به حجیت خبر واحد است (اردبیلی، الرساله الاولى فی الخراج، ۱۴۱۳: ۸۴/۱۲؛ زبده البیان فی احکام القرآن، بی تا: ۶۹۰؛ الرساله الاولى فی الخراج، ۱۴۱۳: ۱۹)؛ اما ایشان اخبار غیر صحیح را حجت نمی‌داند، و لو آن‌که موثق یا حسن (همان، الرساله الاولى فی الخراج، ۱۴۱۳: ۸/۴۸؛ ۲۸۱/۱) تلقی شوند. از منظر مقدس اردبیلی تخصیص قرآن و خبر متواتر به خبر واحد جایز است، اما به شرط آن‌که خبر واحد، نص در دلالت باشد (اردبیلی، الرساله الاولى فی الخراج، ۱۴۱۳: ۵۰۸/۱۱؛ زبده البیان فی احکام القرآن، بی تا: ۱۶۲).

شیخ بهایی

بهاء‌الدین محمد بن حسین بن عبدالصمد عاملی (۹۵۳-۱۰۳۰ق) نویسنده کتاب «زبده الأصول» است که به حجیت اخبار آحاد در محدوده‌ای وسیع معتقد بود و ایشان به تبع از شیخ طوسی، ایمان را در راوی شرط نمی‌داند (شیخ بهایی، زبده الاصول، ۱۴۲۳: ۹۱-۹۳). حتی تزکیه یک عادل امامی را برای اثبات عدالت آن راوی، کافی می‌شمارد (همان، ۹۴؛ مشرق الشمسین، ۱۴۱۴: ۴۵-۴۰).

فاضل تونی

عبدالله بن محمد تونی بُشروی خراسانی (متوفای ۱۰۷۱) نویسنده کتاب «الوافیه» است. ایشان از آن جهت که اثبات بیشتر اجزاء و شرائط تکالیف، منحصر در خبر غیر قطعی است، حجیت خبر واحد را می‌پذیرد (فاضل تونی، الوافیه، ۱۴۱۵: ۱۵۹-۱۶۲) و برای قبول خبر واحد شروط خاصی می‌گذارد؛ از جمله این‌که: خبر واحد در کتاب‌های مورد اعتماد شیعه بوده و جمعی از اصحاب به آن عمل کرده باشند و یا مبتلی به ردّ آشکار و یا تعارض با خبر اقوی نباشد؛ اما در عوض، عدالت و وثاقت راوی و مسندبودن روایت و عدم ابتلاء آن به انواع ضعف را لازم نمی‌داند (همان، ۱۶۶).

وحید بهبهانی

محمدباقر بن محمد اکمل بهبهانی حائری معروف به «وحید بهبهانی» (۱۱۱۷-۱۲۰۶ق) نویسنده کتاب «الفوائد الحائریه» است. او در کتاب مزبور با این‌که بر ظنی بودن خبر واحد از حیث سند، متن، (بهبهانی، الفوائد الحائریه، ۱۴۱۵: ۲۰۳) دلالت و تعارض، تأکید دارد، (همان، ۱۲۴) حجیت آن را پذیرفته و علاوه بر اجماع و مفهوم آیه نبأ، به «انسداد باب علم» نیز استدلال کرده است (همان، ۱۴۱؛ علم الهدی، سیر تاریخی حجیت خبر واحد، ۱۳۹۲: شماره ۱۷).
 با توجه به مطالب فوق و سیر تاریخی این نظریه، به دست آمد که اکثر فقهای شیعه عمل به خبر واحد ظنی الصدور را حجت می‌دانند.

اعتبار خبر واحد در تفسیر

از دیرباز حجیت و اعتبار احادیث واحد غیر فقهی از جمله: روایاتی که به احادیث تفسیری معروفند، میان دانش‌مندان اسلامی مورد گفت‌وگو و بحث قرار داشت و در این باره نظر واحدی که مورد تأیید همه اندیشمندان باشد، وجود نداشته است. در ابتدا تذکر این نکته لازم است که همان‌گونه که بیان شد با قطع نظر از نظریات اندیشمندانی که معتقد به عدم حجیت خبر واحد به طور مطلق - چه در فقه و چه غیر آن - بودند، اکثر فقها و اصولیان حجیت خبر واحد را قبول کرده‌اند؛ لذا بحث از حجیت و یا عدم حجیت احادیث تفسیری، فرع بر قبول اصل حجیت خبر واحد است؛ بنابراین اعتبار و یا عدم اعتبار این‌گونه اخبار، فقط در گستره آراء اندیشمندانی جستجو می‌شود که اصل حجیت خبر واحد را پذیرفته‌اند. با بررسی و دقت در آراء و نظریات ارائه شده از طرف کسانی که حجیت خبر واحد را قبول کرده‌اند به دست می‌آید که دو دیدگاه عمده در این زمینه وجود دارد. قبل از بررسی این دو دیدگاه لازم است نکاتی یادآوری شود:

الف) آن‌چه که در این تقسیم‌بندی ملاک و محور است، قبول داشتن و یا عدم پذیرش حجیت اخبار آحاد در تفسیر است؛ هر چند ممکن است پیروان هر گروه مبنایی غیر از آن‌چه که دیگری انتخاب کرده را برگزیده باشد.

ب) بر اساس آراء هر دو گروه، روایات منقول از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام در تفسیر آیات حجت می‌باشد؛ اما اختلاف دو گروه بر این است که همان‌گونه که گفتار معصوم نزد شیعه از طریق اخبار آحاد در مورد آیات حجت است، آیا از طریق اخبار آحاد نیز می‌توان نظر امام معصوم را کشف نمود یا خیر؟ وگرنه در حجیت گفتار معصومین در تفسیر آیات، شکی از طرف دو گروه وجود ندارد.

ج) این اختلاف نظر در پذیرش اخبار آحاد در روایات تفسیری، فقط در میان شیعیان مطرح شده است؛ اما در بین علمای اهل سنت، هرکس که حجیت خبر واحد را پذیرفته، حجیت آن را در روایات تفسیری نیز قبول دارد.

پس از یادآوری این نکات، دو تفکر غالب در این بحث بررسی می‌گردد:

مخالفان حجیت خبر واحد در تفسیر

معتقدان به این نظریه، احادیثی را حجت می‌دانند که دارای اثر شرعی باشند و حجیت این روایات را در غیر مسائل فقهی، نظیر تفسیر قرآن را قبول نکرده‌اند.

سید مرتضی

سید مرتضی (۳۵۵-۴۳۶ق) یکی از مهم‌ترین اندیشمندان شیعی در علم کلام است. ایشان هنگام تحقیق پیرامون مبحثی درباره روایتی منقول، اولین اشکال آن را خبر واحد بودن آن می‌داند و می‌نویسد: «اولین اشکال وارد بر آن، خبر واحد بودن آن است که موجب علم نمی‌گردد و نمی‌توان در موقعیت‌های علمی به خبر واحد استدلال کرد» (سید مرتضی، الشافی فی الامامه، ۱۴۱۰: ۵۵). حتی در عبارتی دیگر که از ایشان نقل شده، عدم استفاده از خبر واحد در اثبات مسائل اصول دین، میان فقها و اندیشمندان اسلامی بدون مخالف است (انصاری، فرائد الاصول، ۱۴۱۹: ۵۵۶/۱).

بر این اساس از منظر سید مرتضی در کلیه مسائلی که تحصیل علم در آن‌ها لازم است از جمله علم تفسیر آیات، نمی‌توان از خبر واحد بهره جست و بدان استدلال کرد.

شیخ طوسی

شیخ طوسی از اولین اندیشمندانی است که امکان استفاده از روایات را در تفسیر آیات، منتفی دانسته و معتقد به عدم حجیت این دسته از احادیث است. آن‌جا که در مقدمه تفسیر تبیان، سخن از امکان استفاده از خبر واحد در تفسیر قرآن به میان رفته، با این موضوع به مخالفت برخاسته و امکان استفاده از خبر واحد در تفسیر را منتفی دانسته است. ایشان معتقد است می‌توان به هر دلیل صحیح عقلی یا شرعی، نظیر روایات متواتر و اجماع، از افرادی که اطاعت آنان واجب است، رجوع نمود اما در تفسیر نمی‌توان به خبر واحد مراجعه کرد؛ زیرا، به ویژه در موردی که راه شناخت آن علم است و خبر واحد در غالب روایات به ندرت پیدا می‌شود و بر فرض یافت شدن، قطع آور نیست؛ لذا شایسته نیست که به عنوان شاهد بر قرآن بدان استناد شود (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۶-۷).

شیخ در کتاب «عدة الاصول» معتقد است که همه صاحب نظران بر این عقیده‌اند که در مسائل غیر فقهی، نظیر تفسیر و اصول دین، نمی‌توان از خبر واحد بهره جست؛ هرچند برخی از غافلان ظاهرگرا، این عقیده را نپذیرفته‌اند (طوسی، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، ۱۳۷۵: ۱/ ۱۳۱).

شهید ثانی

شهید ثانی در کتاب «المقاصد العلیة» درباره مسائلی که از طریق خبر واحد بیان شده است می‌نویسد: «... اما آنچه که در این مورد از پیامبر اسلام به صورت خبر واحد به ما رسیده، تصدیق و پذیرش آن مطلقاً واجب نیست؛ حتی اگر سند آن صحیح و بدون اشکال باشد؛ زیرا، خبر واحد ظن‌آور است و علما در جایز بودن عمل به آن در احکام شرعی ظنی اختلاف دارند تا چه رسد به احکام اعتقادی علمی» (شهید ثانی، المقاصد العلیة فی شرح الرسالة الألفیه، ۱۴۲۰: ۲۵). همان‌گونه که مشخص شد، از منظر ایشان در همه مسائل غیر فقهی اعم از مسائل تفسیری و اعتقادی، خبر واحد، دارای حجیت و اعتبار نبوده و قابل استدلال نیست.

محمد حسین نائینی

مرحوم نائینی (متوفای ۱۳۵۵ق) نیز از جمله کسانی است که معتقد است خبر واحد در مسائل غیر فقهی، اعتباری ندارد؛ لذا احادیث تفسیری، کلامی و... را دارای ارزش و اعتبار نمی‌داند. نائینی در این زمینه می‌نویسد: «ان الخبر انما یکون مشمولاً لدلیل الحجیه اذا کان ذا اثر شرعی»؛ خبر وقتی مشمول دلیل حجیت می‌شود که دارای اثر شرعی باشد (نائینی، اجود التقریرات، بی تا: ۲/ ۱۰۶).

آقا ضیاء عراقی

آقا ضیاء‌الدین عراقی (۱۳۶۱ق) نیز معتقد است که ادله اعتبار خبر واحد، فقط شامل حکم شرعی می‌باشد. ایشان در جواب کسانی که با توجه به ادله اعتبار خبر واحد قول لغوی را حجیت می‌دانند، می‌نویسد: «ادله اعتبار اخبار آحاد فقط مختص به احکام شرعی است و عدم اختصاص آن نسبت به موضوعات خارجی و... حجیت قول لغوی را در پی ندارد» (عراقی، نه‌ایة الافکار، بی تا: ۳/ ۹۴).

با توجه به مطالب بیان شده، به دست می‌آید که در نظر ایشان، حجیت خبر واحد تعبّدی بوده و دایره شمول آن فقط احکام شرعی است و در غیر احکام شرعی، از جمله موضوعات خارجی و تکوینی که پذیرش خبر واحد دارای اثر عملی نیست، خبر واحد معتبر نمی‌باشد.

علامه طباطبائی

علامه محمدحسین طباطبائی (متوفای ۱۴۰۲ق) از جمله کسانی است که به مناسبت‌های مختلف و در مواضع متعدد، بر عدم اعتبار احادیث غیر فقهی که روایات تفسیری از جمله آن‌هاست، تصریح کرده و این نظر را به طور مبسوط مطرح نموده و بر آن استدلال آورده است. ایشان درباره چگونگی عمل به احادیث نزد شیعه معتقد است: اگر روایتی بدون واسطه از خود حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و یا امامان معصوم علیهم السلام بیان شود، در حکم قرآن کریم است، اما احادیثی که با واسطه می‌رسد روش شیعه در تمسک به آن چنین است:

الف) در اعتقادات که به حکم قرآن، علم قطعی نیاز دارد، به اخبار متواتر یا خبری که شواهدی مبنی بر صحت آن وجود دارد، عمل می‌شود و در غیر این دو صورت که خبر واحد هستند، نمی‌توان عمل نمود.

ب) در استنباط حکم شرعی با توجه به دلایل موجود می‌توان علاوه بر خبر متواتر به خبر واحد نیز عمل نمود؛ لذا اخبار متواتر نزد شیعه حجت بوده و خبر واحد به این شرط که مورد وثوق نوعی باشد، فقط در احکام شرعی معتبر می‌باشد (طباطبائی، شیعه در اسلام، ۱۳۸۰: ۱۲۹؛ قرآن در اسلام، ۱۳۷۵: ۷۰).

علامه طباطبائی در موارد متعدد در کتاب «المیزان» بیان می‌کند که حجیت خبر واحد، فقط مختص فقه است و در غیر آن، مانند تفسیر، حجت نیست که ذیل آیه «ولایت» در سوره مائده، درباره خبر واحد منقول بر این نکته تصریح می‌کند که به خبر واحد در غیر از احکام فرعی استناد نمی‌شود و این مسئله یک معیار عام عقلایی می‌باشد (طباطبائی، المیزان، ۱۳۹۰: ۶/۵۷).

علامه درباره استقلال و بی‌نیازی قرآن از هر چیز دیگری، معتقد است که نمی‌توان در تفسیر از خبر واحد ظنی استفاده نمود و در فهم آیات از آن کمک گرفت، اما اگر فردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله یا امامان معصوم علیهم السلام برسد و احادیثی را بی‌واسطه از آن بزرگواران دریافت نماید، به خاطر قطعی بودن صدور آن احادیث از معصوم، حکم قرآن کریم را دارد و اعتقاد به آن لازم می‌باشد. اما در دریافت باواسطه معارف در اعتقادات که به تصریح قرآن، علم و قطع نیاز است، به اخبار متواتر یا اخباری که شواهد قطعی نسبت به صحت آن موجود است اعتماد می‌شود ولی در غیر این موارد که اخبار آحاد هستند، نمی‌توان عمل نمود. البته در استنباط حکم شرعی با توجه به دلایل خاص می‌توان به خبر واحد که نوعاً مورد وثوق است، اطمینان و عمل نمود (طباطبائی، شیعه در اسلام، ۱۳۸۰: ۱۲۹؛ قرآن در اسلام، ۱۳۷۵: ۷۰).

حال با توجه به نکات بیان شده، می‌توان دیدگاه علامه طباطبائی را در محورهای ذیل خلاصه نمود:

۱. بیان بی‌واسطه معصوم (پیامبر ﷺ و امام علیؑ) به دلیل قطعی و همانند قرآن بودن آن، در تمام زمینه‌های اعتقادی، عملی و تفسیری حجّت و لازم‌الاتباع است.
۲. بیان باواسطه معصوم که به صورت متواتر یا محفوف به قرائن قطعیه نقل شده، در تمام زمینه‌های مذکور، حجّت است.
۳. بیان باواسطه معصوم که به صورت آحاد و غیر محفوف به قرائن قطعیه نقل شده، در صورت افاده ظن نوعی، تنها در احکام شرعی فرعی، حجّت و معتبر است.
۴. جعل حجیت در خبر واحد، از مسائل اعتباری و تعبّدی است و به معنای ترتیب اثر دادن واقعی بر حجّت و دلیل ظاهری می‌باشد.
۵. جعل حجیت در موضوعات تفسیری، اعتقادی و تاریخی بی‌معناست؛ چرا که جعل حجیت تنها در مسائل اعتباری، تعبّدی یا تشریحی ممکن است، اما در مسائل تکوینی، امری ممتنع و محال است (عزیزان، بررسی حجیت روایات آحاد در مسائل اعتقادی، ۱۳۸۷: شماره ۱۳۲).

موافقان حجّت خبر واحد در تفسیر

آیت‌الله خوئی

مرحوم آیت‌الله خوئی (متوفای ۱۴۱۳ق) از جمله اندیشمندانی است که حجیت خبر واحد در تفسیر آیات را پذیرفته و بر شمول اعتبار آن تأکید کرده و معتقد است بدون هیچ شبهه‌ای، خبر واحد موثق که دارای شرایط حجیت و اعتبار است، در تفسیر قرآن نیز حجیت دارد (خوئی، مصباح الاصول، ۱۴۲۲: ۱۸۰/۱، ۱۸۱ و ۲۳۹). ایشان پس از طرح این بحث، ابتدا نظرات کسانی را که معتقد به عدم شمول اعتبار و حجیت خبر واحد نسبت به روایات تفسیری بودند را بیان و سپس به آن‌ها پاسخ داده است.

مرحوم خوئی می‌نویسد: برخی افراد شمول حجیت خبر واحد در تفسیر را قبول ندارند؛ زیرا مخالفان شمول حجیت معتقدند که حجیت و اعتبار زمانی برای خبر واحد در احکام شرعی و یا موضوعاتی که دارای اثر شرعی هستند ثابت است که فرد از واقعیت اطلاع ندارد و می‌تواند خبر واحد را طریقی برای یافتن آن واقع قرار دهد و از آن پیروی نماید؛ همان‌طور که هنگام علم قطعی به واقعیت، از آن پیروی می‌نماید. اما این شرط در تفسیر وجود ندارد؛ زیرا اغلب احادیث تفسیری درباره غیر احکام شرعی نیستند؛ لذا ادله حجیت خبر واحد، شامل روایات تفسیری نمی‌گردد.

مرحوم آیت‌الله خوئی این سخن را رد کرده و معتقد است معنای اعتبار امارات که به طور ظنی واقع را نشان می‌دهد، این است که آن اماره بر اساس نظر شارع به جای دلائل علمی و یقین‌آور می‌نشیند و ظن به واقع، جانشین قطع می‌گردد. بنابراین در همه مسائل می‌توان از این دلایل ظنی

که شرعاً معتبر هستند، بهره برد. چنان‌که اندیشمندان همیشه از دلایل ظنی معتبر نظیر خبر واحد، تبعیت کرده‌اند؛ بنابراین، همان‌گونه که از دلایل علمی و یقین‌آور بهره می‌برند، نیز، تفاوتی بین دلایل علمی و ظنی، قائل نیستند (خویی، البیان فی تفسیر القرآن، بی‌تا: ۳۹۸؛ مصباح الاصول، ۱۴۲۲: ۱/ ۱۸۰، ۱۸۱ و ۲۳۹).

ایشان در اعتبار خبر واحد در تفسیر معتقد است اگر در تفسیر برای خبر عدل ثقه اعتباری قائل نباشیم، از همه روایت و سخنان ائمه معصوم، بزرگان صحابه و تابعین، محروم شده و عدم استفاده از سخنان این بزرگواران، یک محرومیت همیشگی را در پی دارد (خویی، البیان فی تفسیر القرآن، بی‌تا: ۱۴۵).

ایشان هم‌چنین در تقریر بحث مرحوم نائینی در جواب اشکالی که نسبت به عدم اعتبار خبر واحد در تفسیر قرآن شده بود، بیان می‌کند که حجیت در اماره به معنای قرار دادن آن اماره در حکم شارع است؛ به عبارت دیگر ظنی که از طریق اماره حاصل می‌شود، به منزله علم است؛ لذا این ظن معتبر یکی از افراد علم - البته به صورت تعبدی، نه به صورت وجدانی - محسوب می‌گردد؛ بنابراین در چنین مواردی تمام آثاری که بر قطع مترتب می‌شود، بر اماره نیز مترتب می‌گردد (خویی، اجود التقریرات، ۱۳۵۲: ۱۰۵/۲).

آیت‌الله معرفت

مرحوم آیت‌الله معرفت (متوفای ۱۳۸۵ ش) نیز از جمله اندیشمندانی است که حجیت خبر واحد در تفسیر آیات را پذیرفته و بر شمول اعتبار آن تأکید کرده است. ایشان به طور مستقل و مبسوط این بحث را منقح ساخته و دیدگاه خود را در ضمن آن بیان فرموده است. ایشان در ابتدای این مبحث دیدگاه استاد خود آیت‌الله خویی را پس از نقل کلمات اندیشمندان اسلامی در عدم شمول حجیت خبر واحد در تفسیر آیات، بیان می‌کند و در تبیین کلام استاد خویش می‌نویسد که ایشان به حجیت و اعتبار خبر واحد قائل شده است؛ زیرا مبنای عام خود را طریقت حجیت خبر واحد گرفته است، هرچند که این خبر از روایات تفسیری و تاریخی باشد.

ایشان هم‌چنین در یاره توسعه اعتبار و حجیت اخبار آحاد بیان می‌کند که اخبار آحاد جامع شرایط اعتبار، به دلیل تعبدی مستند نیست؛ به عبارت دیگر شارع از باب تعبد، حجیت آن را بیان نکرده تا فهمیده شود که در حجیت امارات نیازمند ترتب اثر عملی بوده یا شارع از آن جهت که حکم تکلیفی بوده، آن را حجت قرار داده، بلکه حجیت خبر واحد بر اساس سیر عقلایی است که روش عقلا و عرف بر آن تعلق گرفته و بر همین منوال سیر کرده است و عمل شارع در این مباحث

به جهت همراهی با عقلا و عرف در راستای روش خودشان در تنظیم حیات عامه است؛ یعنی چون عقلا اخبار افراد موثق را یکی از راه‌های وصول به علم می‌دانند، شارع نیز همین روش آنان را امضاء نموده و به کار بسته است» (معرفت، التفسیر الجامع الاثری، ۱۳۸۷: ۱۲۶).

ایشان در پاسخ به علامه طباطبایی که از قائلان به عدم شمول حجیت خبر واحد در تفسیر آیات بود، می‌گوید: نظر علامه بر دو محور استوار است: اولاً، علامه معتقد است حجیت و اعتبار خبر واحد، به لحاظ تعبد بوده، یعنی از طرف شارع قرارداد و دستوری شرعی است نه ذاتی و فقط در مباحثی که شرعی بوده و یا دارای اثر شرعی هستند، امکان‌پذیر است؛ از این رو فقط در ابواب فقه وجود دارد.

ثانیاً، از منظر علامه اخبار آحاد، کشف قطعی از واقع ندارند، لذا نمی‌تواند کاشف واقعی سخنان ائمه معصوم و حتی کاشف از مراد واقعی آیه باشند. در حالی که از دیدگاه عقلا خبر واحد ثقه، حجیتش جنبه کاشفیت ذاتی دارد که شرع نیز آن را می‌پذیرد و جنبه تعبدی ندارد؛ به عبارت دیگر بنای عقلا و اندیشمندان بر آن است که اخبار ثقه را معتبر دانسته و همچون واقع معلوم با آن رفتار نموده و بر آن ترتیب اثر می‌دهند و این نه قراردادی است و نه تعبد محض، بلکه همان جنبه کاشفیت آن است که این خاصیت را به آن می‌بخشد؛ لذا حجیت اخبار آحاد، مختص حکم شرعی و فقه نیست و جنبه تعبدی ندارد؛ بلکه شمول حجیت آن عام بوده و در همه مواردی که عقلا از جمله شارع، استفاده از آن را پذیرفته‌اند، کاربرد دارد. به همین خاطر خبر واحد ثقه، هم در تفسیر آیات قرآن و هم در دیگر مباحث، از اعتبار و حجیت عقلایی برخوردار بوده و در بر دارنده سخنان معصوم بوده و معتبر می‌باشد (معرفت، کاربرد حدیث در تفسیر، ۱۳۸۹: شماره اول) بنابراین، از منظر ایشان، حجیت خبر واحد، قراردادی و تعبدی نمی‌باشد و به خاطر کاشفیت ذاتی آن از واقع است و خبر نقل شده از معصوم علیه السلام همانند خبر شفاهی و مستقیم از ایشان بوده و دارای همان آثار می‌باشد.

آیت‌الله فاضل لنکرانی

مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی (متوفای ۱۳۸۶ش) نیز از جمله اندیشمندانی است که حجیت خبر واحد را در تفسیر آیات قرآن پذیرفته و بر شمول حجیت آن تأکید کرده است. ایشان در بحث حجیت خبر واحد موثق در تفسیر آیات قرآن، نظر خود را مبنی بر حجیت مطلق خبر واحد در تفسیر آیات، اعم از اینکه این آیات مربوط به احکام عملی و فقهی باشند یا غیر آن، بیان کرده‌اند. ایشان معتقد است ملاک حجیت خبر واحد، یا ادله شرعی تعبدی است که شامل آیات و روایات

می‌شود، یا بناء عقلا است که دلیل اصلی اصولیان می‌باشد. در هر دو صورت، ملاک حجیت این خبر، مطلق است؛ یعنی هم شامل احکام عملی فقهی می‌شود و هم شامل مسائل غیر فقهی و مواردی که دارای اثر عملی نیست.

ایشان در کتاب «مدخل التفسیر» به طور مبسوط ادله طرفین را بیان و به این بحث پرداخته است و در نهایت حجیت خبر واحد در تفسیر آیات را به صورت مطلق پذیرفته است. ایشان در پاسخ به افرادی که معتقدند اخبار آحاد فقط در فروع عملی و احکام فقهی حجت است و خبر واحد در تفسیر آیات قرآن که به احکام عملی و فقهی ارتباطی ندارند، حجت نیست، بیان می‌کند:

«تفاوتی بین اعتبار و حجیت اخبار آحاد در جایی که مربوط به احکام فقهی و احکام عملی باشد با جایی که خبر واحد در باب تفسیر آیه‌ای که به احکام عملی نباشد، نیست. به عبارت دیگر دلیل حجیت خبر واحد، یا بنای عقلا است و یا آیات و روایاتی که ادله شرعی تعبدی نامیده می‌شوند، است. هر کدام از این دو (بنای عقلا و یا ادله شرعی) که مستند این حجیت باشند، طریقی جز پذیرش شمول حجیت خبر واحد وجود ندارد و این حجیت شامل اخبار آحاد تفسیری هم می‌شود؛ زیرا اگر بپذیریم مستند حجیت این اخبار بنای عقلا است، عقلا بنایشان در اعتماد به خبر واحد فقط در مواردی نیست دارای اثر عملی و شرعی باشد. در حقیقت این افراد میان این موارد و مواردی که دارای اثر عملی نباشند، فرقی قائل نیستند و در همه موارد همانند قطع با آن عمل می‌کنند، لذا منحصر ساختن شمول حجیت خبر واحد، فقط در مواردی که دارای اثر شرعی و عملی باشند صحیح نیست و باید گفت که اخبار و احادیث در باب تفسیر بدون توجه به این که آن روایات مربوط به آیات الاحکام باشند و یا غیر آیات احکام، به طور مطلق دارای حجیت و اعتبار می‌باشند...»

اما اگر دلیل و مستند اعتبار خبر واحد را آیات و روایات که دلایل شرعی و تعبدی هستند، دانسته شود، ظاهر این دلایل نیز در بر دارنده اختصاص به مواردی که دارای اثر عملی باشند، نیست؛ زیرا از هیچ کدام این دلایل، اختصاص به مواردی خاص نظیر مواردی که دارای اثر عملی هستند، به دست نمی‌آید چرا که در هیچ مورد صحبیتی از اعتبار و حجیت به میان نیامده است تا با تفسیر آن به منجزیت و معذرت، بتوان اختصاص آن را به موارد تکلیف و عمل به دست آورد. از طریق مفهوم آیه نبأ - بر فرض داشتن و دلالت آن بر حجیت خبر واحد - نیز می‌توان به این نتیجه رسید؛ زیرا مفهوم آیه نبأ می‌گوید اگر خبردهنده عادل باشد، می‌توان به خبرش استناد نمود و تحقیق

درباره صدق گفتارش لازم نیست. این آیه بین اخباری که مربوط به تکالیف و اعمال باشند و یا جایی که اثری عملی بر آن مترتب نگردد، فرقی نگذاشته و به طور مطلق گفته که به خبر واحد عادل عمل نمایید.» (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۴۲۸: ۱۸۶-۱۸۸).

ایشان در انتهای این مبحث می‌نویسد:

«و بالجمله لا مجال للاشکال فی حجیه خبر الواحد فی باب التفسیر مطلقاً»؛ خبر واحد در

تفسیر آیات قرآن به طور مطلق حجت بوده و هیچ اشکالی در آن نیست (همان، ۱۸۸).

با توجه به نکاتی که بیان شد به دست می‌آید که بر اساس نظر آیت‌الله فاضل لنکرانی، مهم‌ترین دلیل بر اعتبار اخبار آحاد سیره و بناء عقلا است که با تکیه بر آن، روایات واحد تفسیری حجت بوده و معتبر می‌باشند؛ زیرا عقلا به طور مطلق در همه مباحث بدون توجه به این‌که آیا آن مبحث، دارای آثار شرعی و عملی است یا خیر، به خبر واحد عمل نموده و با دیده اعتبار بدان نگریستند؛ از این رو همه افرادی که دلیل اعتبار خبر واحد را بناء عقلا می‌دانند نیز می‌بایست حجیت عام و گسترده آن را در همه موارد بپذیرند و اگر افرادی هم برای اثبات حجیت آن، به دلایل تبعیدی تمسک نمایند، باز هم بدون تردید آیات و روایات، اعتبار و حجیت این‌گونه اخبار را امضا نموده و تفاوتی بین موردی که اثر شرعی دارد و موردی که اثر شرعی ندارد، نگذاشته‌اند؛ بنابراین نظر موافقان حجیت از جمله آیت‌الله فاضل لنکرانی تأیید می‌شود.

آخرین نکته‌ای که در این بخش لازم به ذکر است این است که اگر چه برخی از اندیشمندان در مقام استدلال و ارائه نظر قائل به عدم حجیت احادیث تفسیری شدند، اما عملاً همان افراد نیز از این روایات بهره برده و در مقام تفسیر آیات نتوانستند این گونه احادیث را کنار بگذارند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰: ۲۸۸/۱، ذیل آیات ۶۹-۶۱ سوره بقره؛ همان، ۲۶۵) لذا قابل اغماض نبودن این احادیث و استحکام و استواری دیدگاه موافقان حجیت، روشن می‌شود؛ زیرا اگر اخبار عدل ثقه در مسائل تفسیری، فاقد اعتبار و حجیت باشد، موجب محرومیت همیشگی از بیانات ائمه معصومین علیهم‌السلام و اصحاب بزرگوارشان در این‌گونه مسائل شده و فایده بهره‌مند شدن از بیانات آنان منحصر به دوران حضور آن بزرگواران در جامعه اسلامی می‌گردد و این بی‌بهره‌شدن، زیانی است که نمی‌توان به راحتی آن را پذیرفت.

نتیجه‌گیری

با بررسی اعتبار و حجیت خبر واحد در مسائل فقهی، این نتیجه به دست آمد که اخبار آحاد نزد اکثر اندیشمندان اسلامی، دارای حجیت و اعتبار می‌باشد. بعد از واضح شدن اعتبار خبر واحد این سؤال پیش آمد که آیا محدوده شمول حجیت خبر واحد محدود به مسائل فقهی است یا به صورت مطلق شامل مسائل دیگر ابواب، نظیر تفسیر نیز می‌شود؟ به عبارت دیگر آیا خبر واحد در تفسیر آیات قرآن نیز حجت است یا خیر؟ که با بررسی در اقوال علما، علی‌الخصوص آیت‌الله فاضل لنکرانی، این نتیجه به دست آمد که چون مهم‌ترین دلیل حجیت و اعتبار خبر واحد، سیره و روش عقلا است و عقلا در همه مسائل بدون توجه به این‌که آن مسئله، دارای اثر شرعی و عملی است یا خیر، شمول حجیت خبر واحد را به صورت عام، معتبر دانسته‌اند، روایات تفسیری نیز حجت و معتبر می‌باشند و از منظر آیت‌الله فاضل لنکرانی فرقی میان آن‌ها و بقیه احادیث وجود ندارد؛ لذا با قائل شدن به حجیت این‌گونه روایات، اندیشمندان و هم‌چنین جامعه اسلامی با مجموعه‌ای بزرگ از معارف روبرو می‌شود و می‌توانند از سخنان راه‌گشای ائمه معصومین^{علیهم‌السلام} در آیات قرآن، استفاده و بهره‌های بیشتری ببرند.

منابع

١. ابو منصور حسن بن زين الدين الشهيد الثاني، معالم الاصول، انتشارات اسلاميه، بي.تا.
٢. احساى، ابن ابى جمهور، كاشفة الحال عن أحوال الاستدلال، بيروت، مؤسسة أم القرى، بي.تا.
٣. اردبيلى، احمد بن محمد، الرسالة الأولى فى الخراج (الخراجات)، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ١٤١٣ق.
٤. اردبيلى، احمد بن محمد، زبدة البيان فى أحكام القرآن، تهران: المكتبة الجعفرية، بي.تا.
٥. اردبيلى، احمد بن محمد، مجمع الفائدة والبرهان فى شرح إرشاد الأذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ١٤٠٣ق.
٦. استرآبادى، محمّدمين، الفوائد المدنيّة، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ١٤٢٦ق.
٧. انصارى، مرتضى، فرائد الاصول، قم: مجمع الفكر الاسلامى، ١٤١٩ق.
٨. بحراني، يوسف، الحدائق الناضرة فى أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ١٤٠٥ق.
٩. بحراني، يوسف، لؤلؤة البحرين فى الإجازات و تراجم رجال الحديث، بحرین: مكتبة فخرآوى، ١٤٢٩ق.
١٠. تهرانى، آقابزرگ، الذريعة إلى تصانيف الشيعة، قم: اسماعيليان، ١٤٠٨ق.
١١. خوانسارى، محمّدباقر، روضات الجنات، قم: اسماعيليان، بي.تا.
١٢. خويى، سيدابوالقاسم، اجود التقريرات، تقريرات محمد حسين نائينى، قم: مطبعه العرفان، ١٣٥٢ش.
١٣. خويى، سيدابوالقاسم، البيان فى تفسير القرآن، قم، بي.تا.
١٤. خويى، سيدابوالقاسم، مصباح الاصول، تقريرات بحث آيه الله خويى، قم: موسسه احياء آثار الامام الخويى، ١٤٢٢ق.
١٥. شهيد ثانى، ابو منصور حسن بن زين الدين، الدراية فى علم مصطلح الحديث، نجف: مطبعة النعمان، بي.تا.
١٦. شهيد ثانى، ابو منصور حسن بن زين الدين، الرعاية فى علم الدراية، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، ١٤٣٣ق.
١٧. شهيد ثانى، ابو منصور حسن بن زين الدين، المقاصد العلية فى شرح الرسالة الألفية، قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، ١٤٢٠ق.

۱۸. شهید ثانی، ابومنصور حسن بن زین الدین، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ق.
۱۹. شیخ بهایی، محمد بن حسین، زبدة الأصول، قم: مرصاد، ۱۴۲۳ق.
۲۰. شیخ بهایی، محمد بن حسین، مشرق الشمسين و إكسير السعادتین، مشهد: آستان قدس رضوی (دار البحوث الاسلامیة)، ۱۴۱۴ق.
۲۱. شیخ طوسی، محمد بن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۲. شیخ طوسی، محمد بن الحسن، العدة فی اصول الفقه، به کوشش محمد تقی علاقندیان، قم: ۱۴۱۷ق.
۲۳. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید، ۱۴۱۳ق (ب).
۲۴. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، مختصر التذکرة بأصول الفقه، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید، ۱۴۱۳ق (الف).
۲۵. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: اسماعیلیان، ۱۳۹۰ق.
۲۶. طباطبایی، سید محمد حسین، شیعہ در اسلام، قم، نشر قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۸۰ش.
۲۷. طباطبایی، سید محمد حسین، قرآن در اسلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ هشتم، ۱۳۷۵ش.
۲۸. طرابلسی، قاضی ابن البراج، المهذب، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶ق.
۲۹. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، النجف: ۱۳۷۵ق.
۳۰. عراقی، آقا ضیاء الدین، نهاية الافکار، محقق بروجردی، شیخ محمد تقی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.
۳۱. عزیزان، مهدی، بررسی حجیت روایات آحاد در مسائل اعتقادی، مندرج در فصلنامه معرفت، شماره ۱۳۲، آذر ۱۳۸۷ش.
۳۲. علامه حلّی، حسن بن یوسف، تهذیب الوصول إلى علم الأصول، لندن: مؤسسه الامام علی رحمته الله علیه، ۱۳۸۰ش.
۳۳. علامه حلّی، حسن بن یوسف، مبادئ الوصول إلى علم الأصول، المطبعة العلمية، ۱۴۰۴ق.

۳۴. علامه حلی، حسن بن یوسف، مختلف الشيعة في أحكام الشريعة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۳۵. علامه حلی، حسن بن یوسف، نهاية الوصول إلى علم الأصول، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۵ق.
۳۶. علم الهدی، سید مرتضی، الذريعة إلى أصول الشريعة، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ش.
۳۷. علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامة، تحقیق: سید عبدالزهراء الحسينی الخطیب، تهران: مؤسسه الصادق، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۳۸. علم الهدی، سید مرتضی، رسائل الشریف المرتضی، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۰۵ق.
۳۹. علم الهدی، سید محمدصادق، سیر تاریخی حجیت خبر واحد در اصول فقه شیعه، منتشر شده در فصلنامه پژوهش های اصولی، شماره ۱۷، تابستان ۱۳۹۲ش.
۴۰. فاضل تونی، عبدالله بن محمد، الوافیة فی أصول الفقه، قم: مجمع الفکر الإسلامی، ۱۴۱۵ق.
۴۱. فاضل لنکرانی، محمد، مدخل التفسیر، قم: مرکز فقه الاثمه الاطهار علیهم السلام، چاپ چهارم، ۱۴۲۸ق.
۴۲. کرکی (محقق ثانی)، علی بن الحسین، رسائل المحقق الکرکی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ق.
۴۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: مؤسسه الطبع و النشر، ۱۴۱۰ق.
۴۴. معرفت، محمد هادی، التفسیر الجامع الاثری، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۸۷ش.
۴۵. معرفت، هادی، کاربرد حدیث در تفسیر، فصلنامه الهیات و حقوق، شماره اول، ۱۳۸۹ش.
۴۶. نایینی، محمد حسین، اجود التقريرات، قم: کتاب فروشی مصطفوی، بی تا.
۴۷. وحید بهبهانی، محمد باقر، الفوائد الحائریة، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.